

نگرانی جهانی از احتمال مرگ سینما

فدراسیون بین‌المللی تهیه‌کنندگان فیلم فیاپف نسبت به اینکه سینما به یک خاطره تبدیل شود هشدار داد



افراد مخاطب فیلم هستند، فیلمساز تلاش می‌کند در فیلم‌هایش برای همه گروه‌های سنی و علایق، اشاراتی بگذارد، ادامه داد: «اما اینترنت متفاوت است.از آنجایی که تماشاگران به تنهایی تماشا می‌کنند، می‌توان فیلم‌ها را منحصراً برای طرقداران خاصی ساخت و همچنان از یافتن مخاطب مطمئن بود.»
بله مهم‌ترین مزیت VODاین است که هر مخاطب می‌تواند به طور شخصی شده‌ای فیلم مورد نظر خودش را ببیند بدون اینکه در سالن تاریک سینما معذب باشد و حتی از ترس اینکه خط داستانی فیلم را از دست ندهد، چشم از پرده سینما بردارد.
VOD به مردم این اختیار را می‌دهد که فیلم‌ها در زمان و مکان مطلوب خود نگاه کنند.مزیتی که آینده‌سال‌های سینما را با چالش بزرگی روبرو کرده است.

■ **رقبایی که سینما را انکشتندا**

سینما که راه افتاد هنوز نه از رادیو خبری بود و نه از تلویزیون. با این وجود زمانی که رادیو پا به عرصه وجود گذاشت، ویلیام فاکس، تهیه‌کننده مجاری تبار هالیوود و بنیانگذار کمپانی «فاکس قرن بیستم» از اینکه برای سینما رقیب تراشیده شده است ابراز نگرانی کرد. او در سال‌های آخر عمر شاهد گسترش استفاده از تلویزیون بود و همین موضوع فاکس را بیش از گذشته از سر نوشت سینما نگران ساخت. با این وجود سینما تلاش کرد همپا با تغییرات فناوری رشد کند، به طوری که با رنگی شدن سینماها و بزرگ شدن صفحه نمایشگر تلویزیون، پرده‌های سینماها هم عریض و دستگاه‌های پخش فیلم نیز از کیفیت بهتری برخوردار شدند.

هالیوود تا مدت‌ها جلوی فناوری‌های غیرسینمایی را گرفت. برونده مشهور حقوقی که در سال ۱۹۷۶ علیه شرکت سونی در امریکا به راه افتاد، یکی از نشانه‌های قدرت سینما علیه فناوری بود. شرکت ژاپنی دستگاه ویدئوی خانگی درست کرده بود. رقبیی که می‌توانست مردم را از سینما رفتن دور کند. هالیوودی‌ها شکایت کردند و سونی به مدت هشت سال در محاکم قضایی جنگید تا توانست مجوز

استفاده منصفانه از ویدئو را برای مصارف خانگی به دست بیاورد و از ۱۹۸۴، ویدئوی سنی و علایق، اشاراتی بگذارد، ادامه داد: «اما اینترنت متفاوت است.از آنجایی که تماشاگران از آن فیلم‌های ویدئویی جای خود را به لوح‌های فشرده دادند و در نهایت DVD وارد بازار شد. همه اینها برای سینما به معنای دشمن بودند. با این وجود سینما با ایجاد فناوری‌هایی مثل صدای دالبی و تصویر سه بعدی، برای مخاطبان خود شگفتانگه‌های زیادی رو می‌کرد، ولی از یک جایی به بعد با ظهور پدیده اینترنت ماجرا تا حدی تغییر کرد. رادیو و تلویزیون موفق به کشتن سینما نشدند، همان طور که سینما باعث از بین رفتن تئاتر نشد ولی اینترنت رقبیی بود که مانند دشمنان سنتی عمل نمی‌کرد.

■ **پیش‌بینی سینمایی از مرگ سینما!**

سینما به شکل جنون آمیزی برای برخی فیلسل‌ازان به یک هویت تبدیل شده است. دلباختگی آنها به سینما و سبک فیلمسازی باعث شد تا هر از چندگاهی بحث «مرگ سینما» از سوی کارگردانان صاحب‌نام شنیده

درد

در سال ۱۹۹۹ که فناوری دیجیتال در حال معرفی و جا افتادن در سینماها بود، نیویورک تا تیمز، در مقاله‌ای به نزول و مرگ سینما پرداخت. آن زمان این اعتقاد بود که دیجیتال شدن فیلم‌ها یعنی مرگ سینما و این یک تغییر آخ‌الزمانی است. البته از این تعبیر ۲۳ سال می‌گذرد و هنوز سینما به آن معنا نمرده است، اما VOD که محصول دنیای دیجیتال است، مردم را از سینما رقتن به شدت دور کرده است

فرهنگی

اسپایدر منی و سوپر منی که گیشه‌های بزرگ دارند، بخش قابل توجهی از تولیدات در سالن‌ها دیده نمی‌شوند. به این ترتیب بخش زیادی از جریان زیرساخت‌های نمایشی شکل جدیدتری پیدا می‌کند.»
عسگر پور می‌افزاید: «ما آنچه باقی می‌ماند این است که جریان تولید می‌تواند همچنان شکل بگیرد، یعنی فیلم سینمایی و سریال ساخته شود کما اینکه پلتفرم‌های بزرگ جهانی هم همین کار را می‌کنند و آنها را در بستر دیگری منتشر می‌نمایند که مورد استقبال مردم است و گردش مالی قابل توجهی هم دارد. در کشور ما هم اتفاق افتاده، منتها در این مورد هم یک بحث جدیدی شکل گرفته که برای من بسیار جالب بود؛ اینکه ممکن است ما با شکل دیگری از محصول که اسم آن را نمی‌توان صرفاً «فیلم» گذاشت، مواجه شویم، یعنی باید آن را محتوا بنامیم که گاهی ربط زیادی به «سینما» با آن مفهومی که ما پیش‌تر می‌شناختیم ندارد. در این شکل فقط «مان» اثر هم مطرح نیست که مثلاً بگوییم فیلم‌های کوتاه یا سریال بیشتر ساخته می‌شوند، بلکه اساساً نوع دیگری از محتوا در قالب «صوت و تصویر» ممکن است در

عرضه شود که یک بخش آن ممکن است در دنیای متاورس معنا پیدا کند و این متاورس فقط یک بستر برای عرضه نیست، بلکه به محتوا هم می‌تواند شکل جدیدتری بدهد.»

■ **حتی ممکن است نام سینما هم استفاده نشود**

نایب رئیس در حوزه آسیا «فیاپف» معتقد است: «شاید به تدریج از واژه «صوت و تصویر» استفاده کنند تا سینما، چون سینما ما را به مفهوم مشخصی ارجاع می‌دهد. البته این حرف‌ها به این معنا نیست که در آینده خیلی نزدیک با این وضعیت مواجه می‌شویم اما واقعیت این است که ما در گذشته‌ای هستیم که نمی‌دانیم بعد از پنج مقلیل، با چه منظره‌ای مواجه می‌شویم و دست‌کم در کشورمان مطلقاً آمدگی رویه‌رویی با آن را نداریم. متأسفانه از سوی دوستانی که به نمایندگی از دولت در جشنواره کن حضور داشتند گزارشی ندیدم که درباره کیفیت و کمیت بازار جشنواره کن صحبت کرده باشند و مثلاً بگویند بازار چند درصد و احتمالاً به چه دلایلی ریزش داشته، کدام کشورها شرکت نکردند… همه اینها

مجددمهدی عسگر پور، عضو فدراسیون بین‌المللی تهیه‌کنندگان فیلم (فیایپف) درباره نگرانی‌های مطرح شده در جلسه‌اخیر «فیایپف» می‌گوید: «مسئله‌ای که اساساً مطرح شد این بود که شاید ما به زودی با جریان دیگری از عرضه محصولات صوتی – تصویری مواجه شویم و انگار باید با سینما – به آن مفهومی که وجود داشته – کم‌کم خداحافظی کنیم. این بحث بسیار سنگین، پیچیده و گسترده است و احتمال دارد برای همه کسانی که نسبت به سینما عرق دارند یا سینما برایشان یک موضوع مهم معیشتی است، غیر قابل فهم و حتی غیرقابل پذیرش باشد، اما به هر حال با این روالی که وجود دارد ظاهراً جریان نمایش به شکل جدی در حال دگرگونی است و مسئله رقتن مردم به سالن‌های سینما صرفاً به کشور ما بر نمی‌گردد، بلکه اپیدمی شده و تقریباً در بسیاری از کشورهای دنیا به استثنای فیلم‌های

گفت‌وگو



گفت‌وگوی «جوان»

با اولین و تنها حكاك معكوس قرآنی روی ظروف شیشه‌ای

حكاكي قرآن برای من برکت داشته است

فریدون غفاریان هنرمند حكاك، ۴۰ سال است در این حرفه فعالیت دارد و به گفته خودش سال‌ها روی لیوان و بلورجات عكس‌های گل و بلبل و شکل انسان حكاكي می‌کرد اما به برکت آیات قرآنی زندگی‌اش متحول شده است و ۱۰ سالی می‌شود اختصاصاً و به صورت كاملاً اپتكاری و خلاقانه روی بلورجات سه صورت معكوس آیات قرآن را می‌نویسد، به طوری که از بیرون درست خوانده شود و در صورت لمس دست مشكل شرعی نداشته باشد. گفت‌وگوی «جوان» با این هنرمند را می‌خوانید.

بدهم، در حالی که من فقط می‌توانم شبیوه حكاكي را آموزش دهم، برای همین هنرجویان حوصله نمی‌کردند و می‌رفتند. از سویی خلاقیت در کار لازم است که نداشتند. این کار نیاز به صبر، آرامش و علاقه دارد، هنرجویان نیمه راه می‌روند و کار را رها می‌کنند.

توقع شما از مسئولان چیست؟
هنرجویان حكاكي را آموزش دهم، چون این کار برای مردم و دوستانی که کارها را می‌دیدند منقاضی بودند تا روی ظروفشان آیات قرآنی حكاكي كنم و قرعه به نام من افتاد تا با تمرین و تلاش اینگونه عمل كنم. از وقتی وارد این کار قرآنی شدم وسعت رزق از تمام کشور دارم و سفارش کارم زیاد است، منتظر یکی دوتا مشتری نیستم. خوب می‌دانم این ولورجات را داشتند،

گویا اولین و تنها حكاك به شیوه معكوس هم شما هستید؟
بله، مردم و دوستان از من تقاضای حكاكي روی لیوان و بلورجات را داشتند، به صورتی که بدون وضو مشكل شرعی هم نداشته باشند، چون طبیعتاً این ظروف همیشه در دسترس است ناخواسته دست به آیات برخورد می‌کرد اگر فرد وضو نداشت مشكل بود. خودم هم به این نتیجه رسیدم که اگر قرآنی است آیات قرآنی را کار كنم. با این شرایط من حكاك، در گناه وضو ندانستن فرد شریك هستم. این بود که نهایتاً سعی كردم تا کار را به گونه‌ای انجام دهم که دست به آیات نخورد، برای همین نوشته‌ها را داخل ظروف بردم تا دیگر با دست برخورد نکند و بدون مشكل به‌راحتی قابل استفاده باشد.

برای کار، ظروف شیشه‌ای خاصی لازم است؟
خیر، همین بلورجات معمولی را که سطح صافی داشته باشند می‌توان مزین به آیات قرآنی کرد.

تا به حال لیوانی در وقت کار شکسته است؟
روایاتی که حكاكي كردم تا به حال لیوانی نشكسته است اما جالب است بدانید پیش از این شیشه‌های تختی که برای کارهای منظره و گل انجام می‌دادم شكستنی داشتم. خیلی وقت‌ها کار که تمام می‌شد یكمرتبه با كار حرتی تمام شیشه می‌شكست و ناراحت می‌شدم.

کار با قرآن چه حس و حالی دارد؟
شاید نتوانم این مسئله را توصیف كنم، اما واقعیتش این است وقتی خیلی کار می‌كنم و خسته می‌شوم آن خستگی برعكس گذشته برابم لذتبخش و شیرین است. چون زمانی كه روی لیوان و بلورجات اسم و شكل حكاكي می‌كردم باید منتظر می‌ماندم تا مشتری بیاید و بیسندد اما الان با حكاكي قرآنی روی بلورجات باید بروم به پیشواز هزاران مشتری از شهرهای مختلف که مدام از من درخواست کار دارند. به برکت قرآن هیچ کار حكاكي را انجام ندادهم که روی دستم بماند و فروش نرود به‌خصوص وقتی کار جدیدی را انجام می‌دهم همان لحظه که کار تمام می‌شود مشتری برایش پیدا می‌شود. می‌خواهم بگویم حكاكي قرآن برای من برکت داشته است.

شاگرد هم برای آموزش و نشر این شیوه دارید؟
کارگاه برای تولیداتم دارم ولی شاگرد ندارم. دوستانی که مشتاق می‌شوند و خود می‌خواهند کار یاد بگیرند انتظار دارند تا من به آنها نقاشی و خطاطی می‌یاد

چطور شد از حكاكي گل و بلبل روی بلورجات به حكاكي قرآنی رسیدید؟

لطف خدا شامل حالم شد تا از کار حكاكي روی شیشه که قبل از این هم بود و برخی انجام می‌دهند و من هم مسئول آن بودم به حكاكي آیات قرآنی و اسماء متبرك برسیم. در حین کار حكاكي مردم و دوستانی که کارها را می‌دیدند منقاضی بودند تا روی ظروفشان آیات قرآنی حكاكي كنم و قرعه به نام من افتاد تا با تمرین و تلاش اینگونه عمل كنم. از وقتی وارد این کار قرآنی شدم وسعت رزق از تمام کشور دارم و سفارش کارم زیاد است، منتظر یکی دوتا مشتری نیستم. خوب می‌دانم این ولورجات را داشتند،

گویا اولین و تنها حكاك به شیوه معكوس هم شما هستید؟

بله، مردم و دوستان از من تقاضای حكاكي روی لیوان و بلورجات را داشتند، به صورتی که بدون وضو مشكل شرعی هم نداشته باشند، چون طبیعتاً این ظروف همیشه در دسترس است ناخواسته دست به آیات برخورد می‌کرد اگر فرد وضو نداشت مشكل بود. خودم هم به این نتیجه رسیدم که اگر قرآنی است آیات قرآنی را کار كنم. با این شرایط من حكاك، در گناه وضو ندانستن فرد شریك هستم. این بود که نهایتاً سعی كردم تا کار را به گونه‌ای انجام دهم که دست به آیات نخورد، برای همین نوشته‌ها را داخل ظروف بردم تا دیگر با دست برخورد نکند و بدون مشكل به‌راحتی قابل استفاده باشد.

برای کار، ظروف شیشه‌ای خاصی لازم است؟
خیر، همین بلورجات معمولی را که سطح صافی داشته باشند می‌توان مزین به آیات قرآنی کرد.

تا به حال لیوانی در وقت کار شکسته است؟
روایاتی که حكاكي كردم تا به حال لیوانی نشكسته است اما جالب است بدانید پیش از این شیشه‌های تختی که برای کارهای منظره و گل انجام می‌دادم شكستنی داشتم. خیلی وقت‌ها کار که تمام می‌شد یكمرتبه با كار حرتی تمام شیشه می‌شكست و ناراحت می‌شدم.

کار با قرآن چه حس و حالی دارد؟
شاید نتوانم این مسئله را توصیف كنم، اما واقعیتش این است وقتی خیلی کار می‌كنم و خسته می‌شوم آن خستگی برعكس گذشته برابم لذتبخش و شیرین است. چون زمانی كه روی لیوان و بلورجات اسم و شكل حكاكي می‌كردم باید منتظر می‌ماندم تا مشتری بیاید و بیسندد اما الان با حكاكي قرآنی روی بلورجات باید بروم به پیشواز هزاران مشتری از شهرهای مختلف که مدام از من درخواست کار دارند. به برکت قرآن هیچ کار حكاكي را انجام ندادهم که روی دستم بماند و فروش نرود به‌خصوص وقتی کار جدیدی را انجام می‌دهم همان لحظه که کار تمام می‌شود مشتری برایش پیدا می‌شود. می‌خواهم بگویم حكاكي قرآن برای من برکت داشته است.

شاگرد هم برای آموزش و نشر این شیوه دارید؟

کارگاه برای تولیداتم دارم ولی شاگرد ندارم. دوستانی که مشتاق می‌شوند و خود می‌خواهند کار یاد بگیرند انتظار دارند تا من به آنها نقاشی و خطاطی می‌یاد

خود من اثری به خارج نبرده و نرفته‌ام، اما برخی از ایران کارهای زیادی را به کشورهای دیگر مثل استرالیا، آلمان، ترکیه، عراق، لبنان، سوریه و… برده‌اند. بزرگ‌ترین مشتری‌ام آستان قدس رضوی است. در طول سال مسافران عربی که به مشهد می‌آیند سوغاتی که می‌خرند کارهای من است و مدام سفارش می‌گیرد.

خطره‌ای هم از کار حكاكي با قرآن دارید؟
خطره زیاد دارم، اما بعضی چیزها باید باورپذیر باشد. برخی خیلی به این کار قرآنی اعتقاد دارند، گاهی شب و نیمه شب در فضای مجازی از هر طریق می‌شود تماس می‌گیرند، پول هم می‌فرستند که حاجی لیوان قرآنی ما شكست باز هم می‌خواهیم. چهار سال پیش یک بار بنده خدایی که ته لهجه عربی داشت آمد و پارچ سوره یاسین می‌خواست. آن زمان قیمت پارچ یک میلیون و ۲۰۰ هزار تومان بود. پارچ خیلی کار برده بود. گفت این اندازه پول ندارم و چانه می‌زد. گفتم باشد شما ۸۰۰ هزار تومان بدهید. گفت بازم ندارم. گفتم ماجرای اصرار شما برای پارچ یاسین چیست؟ گفت پسر نوجوانم در بیمارستان محك بستری است که دكتر جوايش کرده‌است و چندروز بیشتر زنده نیست. برای او می‌خواهم. گفتم بیا پارچ را ببر. گفت نه! اجازه بدهید من از این پارچ آب برای پسرم ببرم. آمد منزل ما از پارچ آب برد. شش ماه گذشت. يك بار نمایشگاهی بودم که يكدفعه کسی با ته لهجه عربی در شلوغی گفت حاج آقا من را می‌شناسی، همانم که آب از پارچ بردم، یادت است؟ گفتم بله. گفت پسرم دارد در كوچه فوتبال بازی می‌كند. منقلب شدم كه خدا چه موهبت بزرگی را به من عطا کرده است و توانستم وسیله‌ای بشوم ولی با همه این وجود به ندارم. دوستانی که مشتاق می‌شوند و خود می‌خواهند کار یاد بگیرند انتظار دارند تا من به آنها نقاشی و خطاطی می‌یاد

فرم اشتراک روزنامه جوان

ویژه تهران

۱- **مبلغ اشتراک را بر اساس جدول راهنما به شماره کارت ۵۸۹۲۱۰۷۰۴۴۲۱۶۱۴۴ بانک سپه یا حساب سیبا ۰۱۰۵۹۵۲۳۰۴۰۰۷ بانک ملی شعبه میدان فردوسی به نام شرکت پیام‌آوران نشر روز واریز نمایید.**

۲- **فرم پر شده اشتراک را به همراه اصل فیش بانکی به ایمیل ma.poladvand110@gmail.com یا به وسیله پست سفارشی به دفتر امور مشترکین روزنامه ارسال نمایید.**

۳- **ارسال نشریه پس از رسیدن فیش و فرم اشتراک از اول و شانزدهم هر ماه آغاز می‌شود.**

۴- **لطفاً کپی رسید بانکی را تا پایان مدت اشتراک نزد خود نگه دارید.**

۵- **در صورت تغییر نشانی در اسرع وقت امور مشترکین را مطلع فرمایید.**

نام:

نام خانوادگی:

کدپستی (الزامی است):

| هرزینه اشتراک | ۳ ماهه | ۶ ماهه | یک‌ساله |
|---------------|-----------|-----------|-----------|
| ۲/۵۰۰/۰۰۰ | ۴/۵۰۰/۰۰۰ | ۶/۵۰۰/۰۰۰ | ۸/۵۰۰/۰۰۰ |

آدرس: تهران – خیابان شهید استاد مطهری – تقاطع خیابان میرزای شیرازی – پلاک ۳۸۴ – طبقه اول – کد پستی ۱۵۸۶۶۹۳۹۱۱

تلفن: ۸۸۴۹۸۴۵۰ – ۸۸۴۹۸۴۷۶

تلفن تماس:

توضیح: اینترگران (خانواده معظم شهدا، جانبازان عزیز و آزادگان سرافراز) از تخفیف ویژه ۲۰درصد بهره‌مند می‌شوند